

معاد جسمانی

اکبر اسد علیزاده

معاد جسمانی یا روحانی؟

در اینکه آیا معاد جسمانی است یا روحانی؟ سه نظر وجود دارد:
 ۱. گروهی می‌گویند که معاد فقط روحانی است.^۱ این، عقیده جمهور فلاسفه مشاء است که به مجرد روح اعتقاد دارند. از نظر این گروه، روح

آنچه پیش رو دارید مقاله‌ای است درباره معاد جسمانی که پس از بیان دلایل اثبات این موضوع، اشاره کوتاهی به نظریات مختلف درباره معاد خواهیم داشت.

مقصود از معاد جسمانی، آن است که انسان در جهان اخروی با کالبدش حضور یابد و نعمت یا عذاب اخروی

نیز جسمانی باشد؛ ولی معاد روحانی آن است که انسان با وجودی روحانی حیات اخروی خویش را ادامه دهد و در جهان بازپسین از لذتهای معنوی و روحانی بهره‌مند یا به عذابهای معنوی و روحانی دچار شود.

۱. ر.ک: الهیات شفاء، حسین بن عبد الله بن سینا، تحقیق: ابو العلاء عقیفی، مکتبة المرعشیتة، ۱۴۰۴ق، ص ۴۲۳ و ۴۳۳؛ الأسفار الأربعة، صدر الدین محمد شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چهارم، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۱۶۵ و التحصیل، بهمنیار بن مرزبان، تصحیح: مرتضی مطهری، تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۴۹ش، ص ۸۳۷-۸۲۹.

راغب اصفهانی، بیش تر صوفیه، کرامیه و دیگران.

منظور ما از معاد جسمانی، همین نظریه است. این دیدگاه، جامع دو نظر پیشین است و این مقاله در صدد اثبات جسمانی بودن معاد از راه کتاب، سنت، اجماع و عقل است.

اثبات معاد جسمانی

ادله اثبات معاد جسمانی را به طور کلی می‌توان به دو بخش نقلی و عقلی تقسیم نمود.

۱. دلایل نقلی

مستندات دلایل نقلی، بر قرآن کریم، روایات معصومین علیهم‌السلام و اجماع علما استوار است. در این بخش، آیات قرآن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. ر.ک: نقد المحصل، محقق طوسی، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ ق، ص ۳۷۸؛ الأسفار الأربعة، ج ۹، ص ۱۶۵؛ شرح تحقیق: عبد الرحمن عميرة، بیروت، عالم الکتب، اول، ۱۴۰۹ ق، ج ۵، ص ۸۸-۹۰.
 ۲. الأسفار الأربعة، ج ۹، ص ۱۶۵؛ ارشاد الطالب، فاضل مقداد، ص ۴۰۶-۴۰۹؛ الأربعین فی أصول الدین، فخر رازی، ج ۲، ص ۵۲-۷۱؛ قواعد المرام، ابن میثم بحرانی، ص ۱۳۸؛ شرح المقاصد، ج ۵، ص ۹۰؛ کشف المراد، ص ۴۰۵ و شرح موافق، ج ۸، ص ۲۹۷.

انسان به آن دلیل در دنیا با بدن مادی همراه است که با تدبیر آن به پاره‌ای از اهداف خود دست یابد و به برخی کمالات نایل شود که تنها از این راه دست یافتنی است.

۲. گروهی می‌گویند که معاد، فقط جسمانی است.^۱ این، نظر بیش تر متکلمان اهل سنت از اشاعره و معتزله است. طرفداران این نظریه، انسان را موجودی جسمانی به شمار می‌آورند و به مجرد روح اعتقاد ندارند. از نظر این گروه، معاد بر امکان اعاده معدوم استوار نیست؛ زیرا با مرگ، اجزای اصلی بدن نابود نمی‌شود تا به ایجاد دوباره نیازمند باشند؛ بلکه فقط از هم جدا می‌شوند.

۳. عده‌ای دیگر معتقدند که معاد، هم روحانی و هم جسمانی است.^۲ این، دیدگاه گروهی از محققان از متکلمان و فیلسوفان اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت است؛ از شیعیان مانند: شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی، محقق طوسی، علامه حلی و... (رضوان الله تعالی علیهم) و از اهل سنت مانند: غزالی، کعبی، حلیمی،

الف. قرآن

از آنجا که آیات قرآن در این باره فراوان است؛ از اینرو آنها را به هشت گروه دسته‌بندی می‌کنیم^۱ و از هر گروه، نمونه‌هایی را بیان می‌کنیم:

گروه اول: قدرت خداوند

این گروه، شامل آیاتی است که به منکران معاد پاسخ می‌گوید. پیوسته از پیامبر ﷺ سؤال می‌کردند که چگونه وقتی خاک شدیم، یا به صورت استخوانهای پوسیده درآمدیم، به زندگی مجدد باز می‌گردیم؟ این آیات با صراحت، این مطلب را بازگو می‌کند که خدا به این کار قادر است؛ یعنی می‌تواند به همین استخوانهای پوسیده از نو، حیات و زندگی ببخشد؛ مانند:

۱. ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ

مَنْ يُحْيِي الْعِظْمَ وَهِيَ رَمِيمٌ * قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ﴾^۲ «و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: چه کسی این استخوانها را زنده می‌کند؛ در حالی که پوسیده است. بگو: همان کسی آن را زنده می‌کند که نخستین بار آفرید و او بر هر مخلوقی آگاه است.»

۲. ﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ * بَلَىٰ قَدِيرِينَ عَلَيَّ أَنْ تُسَوِّىَ بِنَاتِهِ﴾^۳ «آیا انسان می‌پندارد که استخوانهای او را جمع نخواهیم کرد؟! آری قادریم که [حتی خطوط سر] انگشتان او را موزون و مرتب کنیم.»

۳. ﴿وَكَانُوا يَقُولُونَ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ * أَوَّابًا أَوَّلُونَ * قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * لَمَخْمُوعُونَ إِلَىٰ مِقْلَتٍ يَوْمَ مَعْلُومٍ﴾^۴ «و می‌گفتند وقتی ما مردیم و خاک و استخوان شدیم آیا برانگیخته خواهیم شد؟ - آیا نیاکان نخستین ما [نیز چنین می‌شوند]؟ - بگو: اولین و آخرین - همگی در روز معینی جمع می‌شوند.»

۴. ﴿ذَٰلِكَ جَزَاءُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظْمًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا﴾^۵ «این کیفر آنها است برای

۱. تفسیر موضوعی پیام قرآن جمع‌بندی خوبی را در این باره انجام داده است. بخشی از استدلال‌های آیات قرآنی و دسته‌بندی آن از این کتاب است. ر.ک: پیام قرآن: جمعی از نویسندگان، ج ۵، ص ۳۰۸ - ۳۳۱.

۲. پس ۷۸/ و ۷۹.

۳. قیامت/ ۳ و ۴.

۴. واقعه/ ۴۷ - ۵۰.

۵. اسراء/ ۹۸.

که آنها یکدیگر را مخاطب ساخته، در مذمت این پیامبر بزرگ چنین می‌گفتند: «آیا او به شما وعده می‌دهد که وقتی از دنیا رفتید و خاک و استخوان شدید بار دیگر از قبرها خارج می‌شوید؛ هیات! چه دور است این وعده‌های (دروغین) که به شما داده می‌شود.»

این تعبیرها به وضوح می‌رساند که پیامبرانشان قدرت خداوند را درباره معاد جسمانی به آنان گوشزد می‌کردند، و آنها با شدت با آنان به مخالفت برخاستند، و سرانجام به سبب این تکذیباها به عذاب دردناکی گرفتار، و نابود شدند.

در چهارمین آیه، سخن از اصحاب شمال است؛ آنها که نامه اعمالشان به نشانه جرمشان به دست چپ آنها داده می‌شود. قرآن در مذمت آنها همین معنا را تکرار کرده، می‌گوید: آنها بر گناهان عظیم اصرار داشتند و در مقام انکار معاد می‌گفتند: «مگر ممکن است وقتی ما مردیم و خاک شدیم، بار دیگر بازگردیم.»

در واقع، این مذمت شدید، دفاعی

اینکه به آیات ما کافر شدند و گفتند: آیا وقتی ما استخوانهای پوسیده و خاکهای پراکنده می‌شویم، آیا بار دیگر، آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت؟»

تفسیر و توضیح آیات فوق

آیه اول با صراحت می‌گوید: «همان خدایی که نخستین بار آن را آفرید، بعد از آنکه به صورت استخوان پوسیده‌ای در آمد، بار دیگر او را زنده می‌کند.» جمله «یُحْيِيهَا» (آن استخوان پوسیده را زنده می‌کند) در معاد جسمانی صراحت دارد.

دومین آیه، پندار کسانی را مردود می‌شمرد که گمان می‌کنند خداوند استخوانهای انسان را جمع نخواهد کرد. این آیه با صراحت می‌گوید که نه تنها این کار را می‌کنیم؛ بلکه قادریم ظریف‌ترین خصوصیات آن مانند خطوط سر انگشتان را بازگردانیم و تنظیم کنیم.

صراحت این آیه نیز در معاد جسمانی به تمام معنا قابل توجه است. سومین آیه، سخنی از زبان قوم ثمود (قوم صالح) یا قوم عاد (قوم هود) در برابر پیامبرانشان، نقل می‌کند

شکی در رستاخیز نیست و خداوند، تمام کسانی را که در قبرها آرمیده‌اند، برمی‌انگیزد.»

۲. «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ»^۲ [بار دیگر] در صور دمیده می‌شود. ناگهان آنها از قبرها شتابان به سوی [دادگاه] پروردگارشان می‌روند.»

۳. «قَالُوا يَا بُولَاقَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ»^۳ «می‌گویند ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ [آری] این همان است که خداوند رحمان وعده داده و فرستادگان [او] راست گفتند.»

توضیح و تفسیر آیات فوق

در نخستین آیه می‌فرماید: «این برای آن است که قیامت می‌آید و در آن شکی نیست و خداوند، تمام کسانی را که در قبرها آرمیده‌اند زنده می‌کند.» واضح است، آنچه در قبرها آرمیده، جسم انسانهاست و این تعبیر نشان

از این حقیقت است که بار دیگر، استخوانهای خاک‌شده، لباس حیات بر تن می‌کنند و زنده می‌شوند.

آیه پنجم نیز با صراحت درباره گروهی از کفار می‌گوید: «این آتش دوزخ، جزای آنها است؛ زیرا کافر شدند و می‌گفتند: آیا وقتی ما استخوان و خاکهای پراکنده شدیم، بار دیگر، آفرینش جدیدی خواهیم یافت؟»

خلاصه از مجموع آیات فوق به خوبی نتیجه گرفته می‌شود که خداوند متعال قادر است همین جسم مادی را پس از متلاشی شدن، بار دیگر به حیات بازگرداند.

گروه دوم: برانگیخته شدن از قبر

دسته‌ای از آیات می‌گوید که انسانها در قیامت از قبرها برمی‌خیزند، ناگفته پیداست که قبرها جایگاه جسم انسانهاست و این تعبیر، دلیل روشن دیگری بر معاد جسمانی است.

این آیات نیز در قرآن، فراوان است که نمونه‌هایی از آن را در ذیل ملاحظه می‌کنید:

۱. «وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ»^۱ «و اینسکه

۱. حج/۷.

۲. یس/۵۱.

۳. یس/۵۲.

می‌دهد که همان جسم مادی، زندگی را از سر می‌گیرد.

در دوّمین آیه به جای قبور، تعبیر به «اجداث» دیده می‌شود. «اجداث» جمع «جَدَثٌ» (بر وزن قفس) به معنای قبر است. این تعبیر، مفهومی جز معاد جسمانی ندارد؛ چون در قبرها، جسد‌ها یا استخوانهای پوسیده و خاکهای آنها قرار دارد و خروج انسانها در قیامت از این قبر، دلیل بر زنده شدن این بدنهای عنصری است.

استراحتگاه و خوابگاه است. علت اینکه مرقد در باره «قبر» به کار رفته، آن است که میّت از مشکلات و گرفتاریهای دنیا رهایی می‌یابد و گویی در آنجا به خواب آرامبخشی فرو می‌رود.

به هر حال این تعبیر، دلیل دیگری بر معاد جسمانی است؛ زیرا اگر فقط روحانی بود مسئله «مرقد» مفهومی نداشت.

گروه سوم: بازگشت از خاک

آیاتی که می‌گوید: انسان از خاک آفریده شده است و باز هم به خاک برمی‌گردد، و سپس از آن محشور می‌شود؛ مانند:

۱. «وَمِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ»^۱ «ما شما را از آن (خاک) آفریدیم و در آن باز می‌گردانیم و از آن نیز بار دیگر شما را بیرون می‌آوریم.»

۲. «وَإِلَّا أُنَبِّتُكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا * ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا»^۲ «و خداوند شما را همچون گیاهی از زمین

در سوّمین آیه، با تعبیر سوّمی مواجه می‌شویم، و آن مسئله قیام مردگان از «مرقد»های آنهاست؛ به این ترتیب که گروهی از کافران وقتی خود را در سرای دیگر و حیات جدید می‌بینند، فریادشان بلند می‌شود و می‌گویند: «ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟»

«مرقد» از ماده «رُقُود» و «رُقَاد» به معنای خواب در شب یا روز است. گفته‌اند که معنای اصلی آن، استقرار و خواب به هنگام گرفتار شدن در مشکلات است.

بنابراین مرقد به معنی قرارگاه،

۱. طه/۵۵.

۲. نوح/۱۷ و ۱۸.

خارج می شوید؛ در آغاز خاک بودید و باز هم از خاک برمی خیزید.

سومین آیه - که سخن از آدم و همسرش حوا و نسل آنها است - می فرماید: «خداوند به آنها گفت شما در زمین زنده می شوید و در آن می میرید و از آن (در قیامت) خارج خواهید شد.»

جمله «وَفِيهَا تُخْرَجُونَ» دلیل روشنی بر معاد جسمانی از دیدگاه قرآن مجید است، و با هیچ توجیهی، آن را بر معاد روحانی یا نیمه جسمانی نمی توان منطبق ساخت.

گروه چهارم: سرگذشت گذشتگان

این آیات، نمونه های معاد در این جهان در طول تاریخ انبیا و غیر آنان را مشخص می کند؛ مانند داستان حضرت ابراهیم و پرندگان چهارگانه، سرگذشت عزیز یا ارمیای پیامبر، و همچنین داستان اصحاب کهف و ماجرای کشته بنی اسرائیل.

در اینجا به ذکر آیات و ترجمه آن اکتفا می کنیم.

رویانید! سپس شما را به همان زمین باز می گرداند و بار دیگر شما را خارج می سازد.»

۳. «قَالَ فِيهَا تَخْبُونَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ»^۱ «فرمود: در آن (زمین) زنده می شوید، و در آن می میرید و از آن بیرون خواهید آمد.»

تفسیر و توضیح آیات

نخستین آیه در لابه لای داستان موسی عليه السلام و فرعون آمده است؛ ولی سخن از سوی خداوند متعال است که می فرماید: «ما شما را از آن آفریدیم و در آن باز می گردانیم و بار دیگر نیز شما را از زمین خارج می سازیم.» این آیه بر این دلالت دارد که آغاز وجود همه ما از خاک بوده و بازگشت همه ما نیز به خاک خواهد بود و رستاخیز ما نیز از خاک صورت می گیرد و این دلیل روشنی بر معاد جسمانی است.

دومین آیه از زبان نوح عليه السلام پیامبر بزرگ خدا است که انسانها را به گیاهانی تشبیه کرده است که از زمین می رویند. این آیه نیز به روشنی به معاد جسمانی دلالت دارد؛ زیرا می گوید به زمین باز می گردید و بار دیگر از زمین

۱. داستان عزیز علی (ع)

﴿أَوَكَلِّدِي مَرَّ عَلَيَّ فَرِيَّةً وَهِيَ خَاوِيَةٌ
عَلَيَّ عُرْوِشَهَا قَالَ أُنِّي يُخِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ
مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ
قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ
عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ
وَأَنْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ
وَأَنْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا
لَخُمَا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَيَّ كُلِّ
شَيْءٍ بِقَدِيرٍ﴾^۱ «یا مانند آن که از کنار یک
آبادی می‌گذشت؛ در حالی که
دیوارهایش به روی سقفهای آن فرو
ریخته بود؟ [و اجساد و استخوانهای
آن در هر سو پراکنده بود، او با خود]
گفت: چگونه خدا اینها را پس از مرگ
زنده می‌کند؟
خداوند یکصد سال او را میراند و
سپس زنده کرد. به او فرمود: چقدر
درنگ کردی؟ عرض کرد: یک روز یا
قسمتی از یک روز؟ فرمود: [نه]؛ بلکه
توقف تو یکصد سال بود. به غذا و
نوشیدنی‌ات نگاه کن؛ ببین هیچ‌گونه
تغییر نیافته است؟ [و بدان خدایی که
چنین مواد سریع‌الفسادی را در طول
این مدت حفظ کرده، بر همه چیز قادر

است]؛ ولی به الاغ خود نگاه کن [که
چگونه از هم متلاشی شده] این برای
آن است که تو را نشانه‌ای [در امر معاد]
برای مردم قرار دهیم. اکنون به
استخوانهای (مرکب خود) نگاه کن که
چگونه آنها را بلند کرده، به هم پیوند
می‌دهیم. سپس گوشت بر آن
می‌پوشانیم؟! هنگامی که [این حقایق]
بر او آشکار شد، گفت: می‌دانم که
خداوند بر هر چیزی قادر است.»

۲. حضرت ابراهیم (ع) و مسئله معاد

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي
الْمَوْتَى قَالَ أَوْلَمْ تُؤْمِنِ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن
لِّيَطْمَئِنُّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ
فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ أَجْعَلْ عَلَيَّ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ
جُزْءًا ثُمَّ آدِهِنَّ بِأَيْتِنِكَ سَعْيًا وَأَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ
عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۲ «به خاطر بیاور، هنگامی
را که ابراهیم گفت: خدایا! به من نشان
ده چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟
فرمود: مگر [به معاد] ایمان نیاورده‌ای؟
عرض کسرد: آری آورده‌ام، ولی
می‌خواهم قلبم آرام یابد [آرامشی که از
احساس و شهود برخیزد].

۱. بقره/۲۵۹.

۲. بقره/۲۶۰.

۴. ماجرای فرار بنی اسرائیل

نمونه دیگر، ماجرای قرآنی است درباره گروهی که هزاران نفر بودند و از ترس مرگ، خانه و دیار خود را ترک کرده، فرار کردند؛ ولی این فرار، باعث نجات آنها نشد و به فرمان خدا، همه در چنگال مرگ گرفتار شدند و سپس خداوند، آنها را زنده کرد:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ﴾^۱ «آیا ندیدی (آگاهی نیافتی) نسبت به کسانی که از ترس مرگ از خانه هایشان خارج شدند در حالیکه هزاران نفر بودند، و خداوند به آنها فرمود: بمیرید [و آنها مردند] سپس آنها را زنده کرد.»

آنها، به گفته مفسران، گروهی از بنی اسرائیل بودند که برای فرار از وبا و یا طاعون از دیار خود گریختند؛ ولی چیزی نگذشت که به همان بیماری از جهان رفتند. یکی از پیامبران بنی اسرائیل به نام «حزقیل» از آنجا عبور کرد و از خدا خواست آنها را زنده کند

۱. کهف/۲۱.

۲. بقره/۲۴۳.

فرمود: پس چهار نوع از مرغان را انتخاب کن و آنها را [پس از ذبح کردن] قطعه قطعه کن [و در هم بیامیز]. سپس بر هر کوهی [که در اطراف تو است] قسمتی از آن را قرار ده. بعد آنها را بخوان [به فرمان خدا زنده می شوند و] به سرعت به سوی تو می آیند، و بدان خداوند، توانا و حکیم است.»

۳. داستان اصحاب کهف

در سوره کهف، داستانی طی چهارده آیه بیان شده و در ضمن آن، چنین آمده است:

﴿وَكَذَلِكَ أَغْرَتْنَا عَلَيْهِمُ الْيَاسْمُونَ أَنَّهُمْ وَاللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا﴾^۱ «و این گونه ما مردم را از حال آنها (اصحاب کهف) آگاه ساختیم تا بدانند وعده خدا حق است و در قیامت و رستاخیز شکی نیست.»

از جمله ﴿إِذْ يَتَّزِعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ﴾ چنین استفاده کرده اند که اقوام آن زمان در مسئله معاد (معاد جسمانی) با هم نزاع داشتند. مخالفان سعی داشتند مسئله خواب و بیداری اصحاب کهف به زودی فراموش شود و این برهان روشن را از دست موافقان بگیرند.

النُّخْرُوجُ»^۱؛ «و به وسیله باران، زمین مرده را زنده کردیم. آری، زنده شدن مردگان نیز همین‌گونه است.»

تعبیرات «كذلك الخروج» و «كذلك النشور» و تعبیرات مشابه آن به خوبی از معاد جسمانی حکایت دارد؛ چرا که اگر این جسم عنصری بار دیگر، لباس حیات نمی‌پوشید، تشبیه آن به حیات زمین بعد از مرگش کاملاً بی‌تناسب بود؛ زیرا معاد روحانی چیزی جز بقای روح بعد از مرگ تن نیست، بقای روح چه شباهتی به حیات زمین بعد از مرگ دارد؟!

همان‌گونه که اشاره کردیم، در قرآن، آیات دیگری نیز به همین مضمون با عبارات مختلف دیده می‌شود که همه، دلایل معاد جسمانی است.

گروه ششم: نعمتهای مادی بهشت

آیاتی است که از انواع نعمتهای مادی بهشت، میوه‌ها، نهرها، اراک (تختها)، انواع شرابه‌های طهور (نوشابه‌های حلال)، انواع لباسها،

و خداوند آنها را به عنوان نمونه‌ای از احیای مردگان در برابر منکران زنده کرد.

تمام این نمونه‌ها به وضوح روشن می‌سازد که معاد، تنها جنبه روحانی ندارد؛ بلکه جنبه جسمانی نیز دارد، و سؤال و جوابهای انبیا با مردم بر محور آن دور می‌زده است، و ارائه این نمونه‌ها برای اثبات معاد جسمانی بوده است.

گروه پنجم: تشبیه حیات مجدد انسان به

حیات دوباره زمین

این آیات، بازگشت انسان را به حیات مجدد، به حیات زمین بعد از مرگ تشبیه می‌کند؛ مانند:

۱. «وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَثِيرٌ سَحَابًا فُسْفِنَةٌ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأُحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ»^۱؛ «خداوند، آن

کس است که بادها را فرستاد تا ابرهایی را به حرکت در آورند. ما این ابرها را به سوی سرزمین مرده‌ای می‌رانیم و به وسیله آن، زمین را بعد از مردنش زنده می‌کنیم. رستاخیز نیز همین‌گونه است.»

۲. «وَأُحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَّيِّتًا كَذَلِكَ

۱. فاطر/۹.

۲. ق/۱۱.

۱. و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد دو باغ بهشت است؛ ۲. آن دو باغ بهشت دارای انواع نعمتها و درختان پرتراوت است؛ ۳. در آنها دو چشمه دائماً در جریان است؛ ۴. در آن دو از هر میوه‌ای دو نوع وجود دارد؛ ۵. این در حالی است که آنها بر فرشهایی تکیه کرده‌اند که آستر آنها از پارچه‌های ابریشمین است؛ ۶. و میوه‌های رسیده آن دو باغ بهشتی در دسترس است؛ ۷. و پایین‌تر از آنها دو بهشت دیگر است؛ ۸. در آنها دو چشمه در حال فوران است؛ ۹. در آنها میوه‌های فراوان و درخت و نخل و انار است؛ ۱۰. و در آن باغهای بهشتی، زنان نیکو خلق و زیبا هستند؛ ۱۱. حوریانی که در خیمه‌های بهشتی مستورند؛ ۱۲. زنانی که هیچ انس و جن قبلاً با آنها تماس نگرفته است؛ ۱۳. این در حالی است که این بهشتیان بر تختهایی تکیه زده‌اند که با بهترین و زیباترین پارچه‌های سبز رنگ پوشانده شده است.

سایه‌ها، درختان مختلف و انواع لذایذ جسمانی دیگر که آیات آن، از شماره بیرون است، سخن می‌گوید.
مسلماً همه این آیات را نمی‌توانیم بر معانی مجازی حمل کنیم. این نعمتها، نعمتهایی مادی است که فقط با معاد جسمانی، تناسب دارد، تعداد این آیات بسیار است. نمونه آن را در ذیل بیان می‌کنیم.

۱. ﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾؛

۲. ﴿ذَوَاتَا أَفْنَانٍ﴾؛

۳. ﴿فِيهِنَّ عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ﴾؛

۴. ﴿فِيهِنَّ مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ﴾؛

۵. ﴿مُتَّكِنِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَّائِنُهَا مِنْ

إِسْتَبْرَقٍ﴾؛

۶. ﴿وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ﴾؛

۷. ﴿وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانٍ﴾؛

۸. ﴿فِيهِنَّ عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ﴾؛

۹. ﴿فِيهِنَّ فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ﴾؛

۱۰. ﴿فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ﴾؛

۱۱. ﴿حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْبُيُوتِ﴾؛

۱۲. ﴿لَمْ يَطْمِئِنَّ إِلَيْهِمْ قَبْلَهُمْ وَلَا

جَانٌّ﴾؛

۱۳. ﴿مُتَّكِنِينَ عَلَى رُفْرِفٍ خُضْرٍ

وَغَبَرِيٍّ حِسَانٍ﴾؛^۱

گروه هفتم: مجازات جسمی مجرمان
برخی آیات از کیفرها و مجازاتهای مختلف مجرمان در قیامت سخن می‌گوید. بسیاری از این مجازاتها جنبه جسمانی دارد. اگر معاد، تنها جنبه روحانی داشته باشد باید تمام این تعبيرات را بر معانی مجازی حمل کرد؛ در حالی که هیچ مجوزی برای این کار وجود ندارد.

این‌گونه آیات، فراوان است؛ به عنوان نمونه به آیات ذیل توجه می‌کنیم:

۱. «وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ * فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ * وَظِلِّ مِن يَخْمُومٍ * لَا يَارِدُ وَلَا كَرِيمٍ»^۱؛ «و اصحاب شمال، چه اصحاب شمالی؟ [که نامه اعمالشان به نشانه جرمشان به دست چپ آنها داده می‌شود.] آنها در میان بادهای کشنده و آب سوزان قرار دارند و در سایه دودهای متراکم و آتش‌زا که نه خنک است و نه مفید.»

۲. «يَوْمَ يَخْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ»^۲؛ «در آن روز آن طلا و نقره‌ها را در آتش جهنم گرم و سوزان کرده و یا آنها

صورتها و پهلوها و پشتهایشان را داغ می‌کنند.»

۳. «...وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ»^۳؛ «و گفتند در این گرما حرکت [به سوی میدان] نکنید، به آنها بگو آتش دوزخ از این هم گرم‌تر است اگر بفهمند.»

۴. «...كَمْ مِنْ هُوَ خَلِدٍ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ»^۴؛ «همانند کسانی هستند که همیشه در آتش دوزخ‌اند و از آب جوشان نوشانده می‌شوند که امعاء آنها را از هم متلاشی می‌کند.»

همه این آیات و موارد دیگر شبیه اینها نشانه روشنی برای معاد جسمانی است؛ چرا که اگر معاد، تنها جنبه روحانی داشت این نوع عذابهای جسمانی بی‌معنا به نظر می‌رسید.

گروه هشتم: سخن گفتن اعضای بدن انسان در قیامت

این آیات درباره سخن گفتن

۱. واقعه/۴۱-۴۴.

۲. توبه/۳۵.

۳. توبه/۸۱.

۴. محمد/۱۵.

اعضای بدن انسان در قیامت است. سخن گفتن پا، چشم، گوش، زبان، دهان، صورت و پوست تن، همگی بر معاد جسمانی دلالت دارد.

این آیات نیز در قرآن مجید فراوان است که نمونه‌های آن از نظر می‌گذرد:

۱. «الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۱
«امروز بر دهان آنها مهر می‌نهم، و دستهایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام می‌دادند، شهادت می‌دهند.»

۲. «حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَرُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۲
«وقتی به آن می‌رسند گوشها و چشمها و پوستهای تنشان به اعمال آنها گواهی می‌دهند.»

۳. «وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ»^۳
«آنها به پوستهای تن خود می‌گویند: چرا بر ضد ما گواهی می‌دادید؟ آنها جواب می‌دهند همان خدایی که هر موجودی را به نطق درآورده، ما را گویا ساخته است.»

۴. «فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَيَسْمِعُهَا فَيَقُولُ هَذَا وَمَآ أَفْرَأُ وَأَكْتَبِيهِ... * وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِإِسْمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَأَيْتَنِي لِمَ أُوتِيَ كِتَابِيهِ»^۴
«اما کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده می‌شود [از فرط خوشحالی و مباهات] فریاد می‌زند که [ای اهل محشر!] نامه اعمال مرا بگیرید و بخوانید...؛ اما کسی که نامه اعمال او به دست چپش داده شود، می‌گوید: ای کاش هرگز نامه اعمالم به من داده نمی‌شد.»

۵. «وَجُودَةٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ * ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ * وَوَجُودَةٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ * تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ»^۵
«صورت‌هایی در آن روز گشاده و نورانی است، خندان و مسرور است، و صورت‌هایی در آن روز غبارآلود است، و دود تاریکی آنها را پوشانده است.»

۱. یس/۶۵

۲. فصلت/۲۰.

۳. فصلت/۲۱.

۴. حاقه/۱۹ و ۲۵.

۵. عبس/۳۸-۴۱.